

پیش‌گفتار

با یا بدون کرونا؟ آیا مسئله این است؟

محمود مصدق^{۱،۲}

مقدمه

این روزها علاوه بر واژه‌هایی چون تک‌گیر یا انفرادی (Sporadic)، خوشه‌ای (Cluster)، بومی (Endemic)، فرابومی (Hyper endemic)، طغیان یا شیوع (Outbreak)، دو واژه همه‌گیری (Epidemic) و جهان‌شیوعی یا (Pandemic) بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد که معانی آن‌ها به ترتیب عبارتند از شیوع یک بیماری در منطقه و یا جهان. علی‌رغم اینکه در درون این دو واژه یک بیماری نهفته است و به‌طور اصولی مدیریت بیماری اعم از تشخیص و درمان آن از وظایف نظام سلامت یک کشور است، ولی حقیقت امر این است که کنترل و مدیریت یک همه‌گیری یا شیوع جهانی وسیع مانند کووید-۱۹ از وظایف حاکمیتی هر کشور است. در این گفتار بیشتر به بخش‌هایی از مواجهه با همه‌گیری پرداخته شده که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

کنترل همه‌گیری‌های وسیع نیازمند دو تغییر، یکی تغییر رفتار مدیریتی حاکمیت و دوم تغییر رفتار اجتماعی مردم است. هر دو این تغییرات نیازمند تفکر، شناخت رفتار بیولوژیکی عامل همه‌گیری، تدوین آیین‌نامه‌های دولتی و حتی تصویب برخی از قوانین مورد نیاز توسط مجلس به منظور مناسب‌سازی رفتارهای حاکمیتی با شرایط همه‌گیری حاکم و نیز تدوین آیین‌نامه‌ها و قوانین برای مناسب‌سازی رفتار آحاد جامعه با شرایط همه‌گیری کشور و در پی اعمال قانون و نظارت دقیق و سختگیرانه بر چگونگی اعمال صحیح آیین‌نامه‌ها و قوانین مصوب در بدنه حاکمیت و نیز بر آحاد جامعه است. هر قدر آیین‌نامه‌ها و قوانین خردمندانه تنظیم گردد و هر قدر اجرای این قوانین دقیق‌تر انجام گیرد مدیریت و بالمآل کنترل همه‌گیری سریع‌تر و با هزینه کمتر صورت می‌پذیرد. در صورت پذیرش و نیز مقبولیت عالمانه این فرضیه، ضرورتاً قدرتمندترین فرد یا نهاد که دارای اختیارات قانونی لازم برای تصویب، ابلاغ، اجرا و نظارت بر اجرا است مستقیماً مسئولیت مدیریت و کنترل همه‌گیری را بر عهده می‌گیرد. تدوین آیین‌نامه‌های بهداشتی و تنظیم شیوه‌نامه‌های درمانی و بالمآل مراقبت و درمان بیماران یا مبتلایان نیز برعهده نظام سلامت کشور است.

در این نگاه (پذیرش مسئولیت مواجهه با همه‌گیری توسط حاکمیت)، نظام سلامت به عنوان پیاده نظام و خط اول نبرد با همه‌گیری و عضو برجسته ستاد کنترل همه‌گیری است. لکن بدون حمایت‌های ستاد عملیات، نیروی هوایی، نیروی زمینی و توپخانه و هوانیروز، نیروی دریایی و... قطعاً نظام سلامت فقط قربانی‌دهنده در خط مقدم خواهد بود (این جمله تنها تمثیلی است تا شعار «کرونا را شکست می‌دهیم» قابل‌تصورتر شود). در این نگاه مدیریتی همه ارکان قدرت و خدمت کشور تحت فرماندهی واحد به مدیریت و کنترل همه‌گیری مبادرت خواهند کرد.

آنچه که در جمهوری اسلامی ایران در برخورد با همه‌گیری کووید-۱۹ اتفاق افتاد با تأخیرات و نواقصی که در اجرا داشت از همین شیوه استفاده شد توفیقات نسبی هم ناشی از همین نگاه است که اگر دقیق و به موقع اقدام می‌شد شاید عوارض کمتر و زمان کمتری را به کشور تحمیل می‌کرد. در مواجهه با همه‌گیری، زمان مدیریت همه‌گیری، زمان کنترل همه‌گیری و زمان شروع بازگشت به فعالیت‌های جاری و روزانه مردم و حاکمیت، سه بازه زمانی مهم و بسیار حیاتی است. علاوه بر تشخیص و احصا سه زمان فوق، تداوم و استمرار منظم شیوه‌نامه‌های تنظیم شده برای تغییر رفتار حاکمیت و تغییر رفتار مردم تا پایان بازه سوم بسیار حیاتی است. عدم استمرار شیوه‌نامه‌ها، یعنی بازگشت احتمالی و ایجاد پیک شیوع دیگری در کشور که اگر با جهش ژنتیکی عامل همه‌گیری همراه باشد چه بسا منجر به ایجاد بحران غیرقابل کنترل و یا سخت باشد. تصمیم‌گیری‌های کلان اگر براساس "بینیم چه می‌شود، متزلزل و به‌ویژه عدم توجه به نظرات کارشناسان خبره حوزه سلامت" انجام پذیرد، می‌تواند خسارت بار باشد. اگرچه شرایط روز می‌تواند و باید در تصمیم‌گیری‌های کاملاً مقطعی مورد توجه واقع شود.

۱. عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی

۲. دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

عوامل مهم در مدیریت و مهار همه‌گیری

سه عامل مهم هم در مدیریت و هم در کنترل همه‌گیری عبارتند از:

۱. حاکمیت (شامل دولت، نیروهای مسلح، رسانه و ...)

۲. مردم

۳. نهادی مدنی به‌ویژه نهادهای مردم نهاد، خیریه‌ها و خیرین

هرکدام از سه عامل فوق به مقدار وسیع و عمیق قابل بررسی و تحلیل است که در این مقاله فرصت ارائه آن نیست و نیز صاحب‌نظران در این خصوص به شایستگی و بایستگی سخن گفته‌اند. لذا ارائه نظرات به مقاله دیگری واگذار خواهد شد. اما در دو مورد که تا اندازه‌ای مغفول مانده، یکی رسانه و دیگری خیریه‌ها و نهادهای مدنی باید توضیح داده شود.

رسانه ملی

رسانه ملی به‌ویژه بخش تصویری اگرچه تلاش زیادی انجام می‌دهد، اما اکثر این تلاش‌ها به شبکه خبر و بخش‌های خبری شبکه‌های دیگر سیما اختصاص یافته است. درحالی‌که با توجه به اهمیت همه‌گیری و تحریک و تشویق مردم در پذیرش مسئولیت اجتماعی خویش در مواجهه با کرونا باید از شیوه‌های متفاوت و متنوع در اعلام خبر به‌طور مثال به‌صورت خبر فوری در وسط یک برنامه بسیار پر بیننده مانند عصر جدید یا یک سریال پر بیننده، به‌طور ناگهانی و با یک حالت هنرمندانه که تأثیرگذار باشد برنامه را قطع و با جملاتی چون "به خبری که هم‌اکنون به دست ما رسیده است توجه فرمایید" و یا جمله‌ای دیگر "به یک نکته آموزشی که امروز توسط وزارت بهداشت در مدیریت و کنترل بیماری کرونا ارسال شده است، توجه فرمایید" یک خبر کرونایی را روی آنتن برد. این بدین خاطر است که اهمیت مواجهه با کنترل کرونا به مردم گوشزد شود تا در خاطرشان حک شود. اگر مواجهه با کرونا جنگ است که باید کرونا را شکست داد به صورت ضروری اخبار کرونا هم باید به‌صورت جنگی و با صدای حماسی به مردم اعلام شود تا تأثیرگذارتر باشد. انجام خبر فوری در مقاطع مختلف زمانی در وسط یک برنامه پربیننده در همه شبکه‌ها به‌ویژه شبکه اول بسیار حائز اهمیت است. جامعه باید درک کند که کشور در شرایط خاص قرار دارد. از این طریق مردم خود با استفاده از عقل و خلاقیت شیوه رفتاری خویش را متناسب با شرایط حاکم تغییر می‌دهند. در حال حاضر رفتار شبکه خبر، رفتاری متناسب با شرایط همه‌گیری است درحالی‌که شبکه‌های دیگر خیلی رفتار خویش را متناسب‌سازی ننموده‌اند. ضرورتاً با حساسیت بسیار بالا خبرهای کرونایی باید متقن، موثق، مورد تأیید و کاملاً شفاف باشد تا مردم اخبار خویش را مستقیماً از رسانه ملی اخذ نمایند. آنچه که مشهود است شیوه اطلاع‌رسانی همه‌گیری کرونا اعم از خبری و یا آموزشی یکسان و بدون تغییر بوده و ادامه این امر موجب کاهش حساسیت مردم به همه‌گیری کرونا و اهمیت و مخاطرات احتمالی برای خودشان و کشور می‌شود.

نهادهای مدنی

نهادهای مدنی و خیریه‌ها و خیرین اگرچه به‌طور خودجوش وارد صحنه شده‌اند، اما این نوع ورود بدون مدیریت می‌تواند ضررهای زیادی به‌دنبال داشته باشد. اما در مقطع فعلی که نهادهای مدنی خود متمایل می‌باشند که به‌طور مستقیم عمل کنند، وجود یک سامانه ارائه‌کننده نیازها هم به لحاظ نوع نیاز و هم محل نیاز برای اقدام مستقیم اینگونه تشکل‌ها و نیز ثبت نام این نهادها و هدایت آن‌ها براساس نیازهای احصا شده ضروری است. به‌طور ضروری، این سامانه باید هدایت‌گر باشد نه عمل‌کننده و اطلاعات موجود در سامانه باید به‌طور کامل شفاف، دقیق و به‌روز باشد. در صورت اهدا مستقیم نهادهای مدنی واحد‌های پذیرنده هدایا هم باید موظف به درج هدایا در سامانه باشند. همچنین نظارت بر عملکرد این نهادها به منظور رعایت استانداردها و نیز شیوه‌نامه‌ها بسیار حائز اهمیت است.

نظام سلامت و کرونا

در مدیریت و کنترل همه‌گیری در کشور همانطوری که بیان شد اگرچه مسئولیت کلان مواجهه با همه‌گیری فقط با وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی نبوده و نیست اما این وزارت‌خانه با خردورزی بالا، فداکاری و صف‌ناپذیر بار این مسئولیت را برعهده گرفت. درخصوص نظام سلامت و کرونا نیز به‌طور مفصل توسط کارشناسان و خبرگان گفته و نوشته شده است، اما علاوه بر خردورزی و فداکاری نظام سلامت، پنج مورد یا نکته اساسی که شاید کمتر بدان توجه شده و بسیار حائز اهمیت است و هنوز می‌تواند باشد باید اشاره شود. و پیشنهاد شود به علت ضرورت، بخش قابل‌توجهی از اعتبار برداشت شده از صندوق ارزی (یک میلیارد دلار) به سه مورد اولی که ذکر می‌شود اختصاص یابد.

۱. نظام شبکه بهداشتی کشور؛ ساختار شبکه بهداشت نشان داد که این مجموعه در مواجهه با چنین همه‌گیری‌هایی دارای ظرفیت بسیار بالایی است. تقویت و استحکام‌بخشی این ساختار می‌تواند تضمین سلامت ایرانیان در حال (دوران همه‌گیری) و آینده باشد. به‌طور لزوم، بخش قابل‌توجهی از اعتبار برداشت شده از صندوق (یک میلیارد دلار) به تقویت و استحکام این بخش باید اختصاص یابد.
۲. اقدامات مناسب وزارت بهداشت که در چند سال اخیر برای بازسازی خانه‌های بهداشت، مراکز بهداشتی درمانی روستایی، مراکز بهداشتی درمانی شهری و بیمارستان‌ها علی‌الخصوص افزایش تخت‌های ICU و CCU و فوریت‌ها انجام داد، منجر به افزایش قابل توجه ظرفیت واحدهای بهداشتی و درمانی کشور در ایفای بهینه نقش خویش در مواجهه با همه‌گیری کرونا شد. ادامه و استمرار این امر به‌ویژه در شرایط کرونایی حاکم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که شاید در دوران پسا کرونا دچار فراموشی از توجه به زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی کشور شویم. نواقص سخت‌افزاری سیستم خدماتی نظام سلامت، اعم از ساختمانی و تجهیزاتی در شرایط کرونایی حاکم که متأسفانه معلوم نیست تا کی ادامه خواهد داشت با استفاده از اعتبار تخصیصی یک میلیارد دلاری صندوق ارزی باید برطرف یا به حداقل کاهش یابد.
۳. پرونده الکترونیک سلامت مردم؛ اگر این سیستم به‌طور کامل فراهم بود شاید نیاز به غربالگری و دعوت از مردم به ثبت نام نبود و با در اختیار داشتن پرونده الکترونیک سلامت مردم امکان تذکر، اطلاع‌رسانی، رعایت احتیاط‌ها متناسب با پرونده الکترونیک برای سیستم سلامت فراهم می‌شد. به‌طور مثال این سیستم در صورت کامل بودن می‌توانست به تمام بیماران دیابتی، قلبی و عروقی، بیماران خاص متناسب با شرایط مندرج در پرونده تذکر دهد که این شرایط بهداشتی را به‌طور ضروری باید رعایت کنند چنانچه در صورت عدم رعایت مبتلا به کرونا شوید هزینه‌های درمان برعهده خودتان خواهد بود. بنابراین ضروری است بخشی از اعتبار یک میلیارد دلاری هم برای تکمیل ساختار این سامانه به این مورد اختصاص یابد.
۴. بازنگری در شرح وظایف و به‌روز کردن آن و آموزش مجدد اعضا کمیته مرگ‌ومیر بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی و بالمآل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی؛ شاید اگر اعضا کمیته‌ها با دقت بیشتری به پدیده مرگ‌های با علت یکسان می‌پرداختند، چراغ خطر قرمز (Alarm) در ستاد دانشگاه‌ها و نیز وزارت متبوع زودتر به صدا در می‌آمد. پیشنهاد می‌شود نوشتن "مرگ به علت ایست قلبی" در برگه‌های گواهی مرگ با احتیاط بسیار صورت گیرد.
۵. پدیده کرونا ضرورت تشکیل یک نیروی واکنش سریع برای مواجهه با پدیده‌های همه‌گیری، جهان شیوعی و حتی خسارات و بلاهای وسیع طبیعی و به عبارتی دیگر سونامی‌های ممکنه در آینده را بسیار عیان کرد. کرونا نشان داد که نه اورژانس کشور، نه سازمان پدافند غیرعامل، نه ستاد مدیریت بحران و نه هلال احمر به‌طور تخصصی توانایی لازم برای مواجهه با چنین پدیده‌هایی را ندارند. شاید جنگ جهانی سومی در دنیا اتفاق نیفتد اما همه‌گیری‌ها و جهان شیوعی‌ها (اعم از ساخته بشر یا ساخته طبیعت) می‌توانند خساراتی بسیار سنگین‌تر و فاجعه‌بارتر از جنگ جهانی بر بشریت حاکم کنند. برای آن روز احتمالی از هم اکنون باید اندیشید. تشکیل یک نیروی واکنش سریع می‌تواند راه‌حلی برای مقابله با چنین بحران‌هایی باشد. این توضیح لازم است که همه‌گیری کووید-۱۹ نه اولین و نه آخرین همه‌گیری در کشور خواهد بود. با توجه به این که کشور در سطوح مختلف به برنامه‌ریزی و نیز به‌طور عملیاتی درگیر و مشغول مدیریت و ان‌شاءالله کنترل این همه‌گیری است پیشنهاد می‌شود که بخشی از ستاد فرماندهی کنترل کرونا موظف به ثبت و ضبط و گردآوری تمامی تجارب مثبت و منفی اعم از مدیریتی، مداخله‌ای، فنی، اداری و ... شود. این تجارب از سراسر کشور جمع‌آوری و در صورت لزوم نسبت به انتقال تجارب مثبت و تأیید شده به سایر نقاط کشور در زمان کنترل همه‌گیری (حال حاضر) برای استفاده و ان‌شاءالله پس از کنترل همه‌گیری با تحلیل و ارزیابی تجارب برای استفاده آیندگان ثبت و ضبط شود. تجارب فنی به‌ویژه تجارب پزشکی گرانقدری در سراسر کشور به‌دست آمده، از یک مداخله ساده مثبت که در روند بهبودی درمان مؤثر بوده و یا جلوگیری از یک مداخله بالینی که می‌توانست باعث بدتر شدن بیماری شود تا موارد مدیریتی، لجستیکی و و همین‌طور کسب و دریافت تجارب سایر کشورها در این زمینه برای به‌کارگیری در زمان حال و حتی آینده.

جوانان و کرونا

جوانان نخبه کشور نیز می‌توانند در دو سطح وارد عمل شوند، یکی در مقطع زمانی فعلی که از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان نسبت به تأمین مایحتاج ضروری جامعه اقدام کنند. این امر اگرچه مقطعی خواهد بود اما تأثیرات آن در اقتصاد دانش‌بنیان در کشور ماندگار خواهد ماند. دوم، با ورود به دوره پسا کرونایی می‌توانند پدیده کرونا را در ابعاد مختلف منجمله دیدگاهی، فلسفی، اجتماعی، حاکمیتی، مدیریتی و به شکل آینده‌نگر در سطح کشور، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار دهند. پدیده کرونا در کشور بار دیگر اثبات کرد مدیریت خردمندان و مجاهدانه با نگرش به توان داخل کشوری منجمله جوانان می‌تواند نتایج مثبت بسیار زیادی را برای کشور در پی داشته باشد. پدیده کرونا برای کشور اثبات کرد که برنامه‌ریزی کلان، خردورزی، بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها، مدیریت منسجم، می‌تواند کشور را در برابر سیل مخرب مانند سدی عظیم محافظت کند. این نتایج را باید به دوران پسا کرونایی هم انتقال داد که نه تنها در برابر تهدیدات بلکه در زمان استفاده از قوت‌ها و فرصت‌ها هم خردورزی، برنامه‌ریزی کلان، مدیریت

منسجم و هدفدار و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها منجمله اعتماد به جوانان شایسته و نیز مؤمنانه و شفاف عمل کردن، می‌تواند از جزیره‌ای عمل کردن که در آن سهم‌خواهی صاحبان جزایر پررنگ است، بسیار کارآمدتر باشد. جوانان باید در این اندیشه باشند که آموزش و پرورش، آموزش عالی، کسب و کار و ... در دوران پسا کرونا چگونه باید باشند.

چرخه فقر و کرونا

این نکته را باید ستاد فرماندهی کرونا در نظر بگیرد که کرونا در بازه نه چندان طولانی می‌تواند به فقر منجر شود و در صورت افزایش غیرقابل کنترل فقر، خود فقر منجر به گسترش همه‌گیری خواهد شد و ادامه آن منجر به یک چرخه فاجعه بار خواهد شد که از هم‌اکنون باید به فکر جلوگیری از ایجاد چرخه و نیز آمادگی برای کاهش خسارات در صورت ایجاد چرخه باشد. از تفکر "ان‌شاءالله چنین چرخه‌ای ایجاد نخواهد شد و اگر شد برای آن بعداً فکر خواهیم کرد" به شدت باید پرهیز کرد. اگرچه تأمین مایحتاج و معیشت مردم با استفاده از کمک‌های مالی خود مردم براساس بضاعت خانواده‌ها می‌تواند به صورت نقدی، قسطی و رایگان انجام پذیرد. آموزش مردم و شفاف و صریح بودن با مردم در خصوص تفاوت زندگی در دوران کرونا با قبل یا بعد آن و ضرورت رعایت صرفه‌جویی‌ها، پرهیز از اشرافی‌گری و ... توسط آحاد ملت اجتناب‌ناپذیر است. این دو نوع زندگی کاملاً با هم متفاوت است و باید این تفاوت به مردم آموزش داده شود و همه مردم را برای یک زندگی مقتصدانه و تا اندازه‌ای زندگی حداقلی آماده کرد. اغنیا و متمولان سهم بسیار بیشتری در تغییر سبک زندگی و هدایت سرمایه‌های خویش به اقدامات خیرخواهانه و بشر دوستانه را دارند. حمایت از ضعفا نیز توسط حاکمیت باید به جد مورد توجه باشد. با وجود آنچه ذکر شد ضرورت دارد نخبگان از طیف دانشی متفاوت اما مرتبط و نه بر اساس جایگاه حقوقی بلکه براساس جایگاه حقیقی و دانشی ضمن نظریه‌پردازی به تدوین راه حل قابل اجرا اقدام نمایند.

نکته‌ای که باید به‌طور ویژه به آن توجه کرد این است که دولت‌ها در برای حمایت از مردم اقدام به حمایت‌های مالی و تخصیص اعتبارهای ویژه برای مواجهه با همه‌گیری و نیز جبران خسارات‌های وارده به بخش‌های دولتی و غیردولتی می‌کنند. در این زمان باید مراقب افراد سودجو (اعم از درون حاکمیتی و یا برون حاکمیتی) که شاید برخی با بیان کاملاً خیرخواهانه اما با نیت سوء استفاده هستند، گیرنده‌ها و شاخک‌های این افراد دارای حساسیت بسیار بالا است به‌طوری‌که حتی منابع مالی با ابعاد نانو را هم رصد می‌کنند و از آن هم نمی‌گذرند. یکی از راه‌های مقابله با این گونه افراد برنامه‌محور بودن هزینه‌های اعتبارات تخصیصی آن هم به‌طور کامل براساس ریز مقادیر است. تخصیص اعتبارات با ردیف‌هایی با عنوان کلی موجب نابودی اعتبارات خواهد شد. البته روش‌های دیگری هم در این خصوص وجود دارد.

کرونا و بشریت

بدون شک شیوع کرونا یکی از مهم‌ترین وقایع اجتماعی در قرن بیست و یک در نظر گرفته خواهد شد. آنچه این شیوع را متفاوت و متمایز کرده است، احساس جهانی ضعف در زندگی بیولوژیکی انسان و به طریق اولی زندگی معنوی انسان و نیاز به جامعه‌ای به دور از هرگونه مخاطره است. این شیوع نشان داده که جوامع فعلی از نظر بیولوژیکی و ذهنی آسیب‌پذیر هستند و باید انعطاف‌پذیری را نه در سطح زیست‌شناسی بلکه در سطح روانی، اجتماعی و معنوی بهبود دهند. ضرورت یک گفت‌وگو بیولوژیک و اجتماعی درباره محیط و طبیعت و منجمله ویروس کاملاً حس می‌شود.

در این راستا نخبگان جامعه بشری، فیلسوفان، جامعه‌شناسان و حتی عالمان علم تجربی (مانند فیزیکدان‌ها و پزشکان)، مسیر حرکتی بشر را در چند صد سال اخیر از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار خواهند داد. آنچه که در این حوزه اهمیت دارد دعوت از همه نخبگان جوامع بشری اعم از آن که هستی باورند یا آفرینش باور، به توحید است. نخبگان توحید محور بطور عام و نخبگان مسلمان به‌طور خاص موظفند این روند حرکتی بشریت را تحلیل کرده و با استفاده از منابع به ویژه قرآن و نهج‌البلاغه و احادیث معتبر نسبت بشریت با هستی و هستی با خالق را دوباره تبیین کنند تا آگاهی‌های لازم برای بشریت بر مبنای توحید جهت چگونه زیستن، تعامل با افراد و محیط پیرامون تدوین و تنظیم شود. نخبگان جوامع بشری غرب مسئولیت بیشتری را دارا خواهند بود. چون آنچه که امروزه بشر با آن مواجه است به ویژه در حوزه علم و زندگی محصول اندیشه‌های متفکران غربی است. از ایشان باید دعوت به عمل آید تا در اندیشه‌های پیشین خود تجدید نظر کنند و اندیشه‌های جدید بر مبنای توحید برای روند تکاملی بشر برای اندیشکده‌ها، دانشگاه‌ها و ... فراهم کنند. این امر نیازمند یک دعوت عام از خواص دنیا به توحید به منظور جستجوی چگونه زیستن در بستر توحیدی است.

اینکه پدیده کرونا عذاب یا آزمون است، به نظر نه عذاب و نه آزمون، بلکه آیه‌ای از آیات الهی برای تفکر و اندیشیدن و خردورزی است. آیه‌ای برای بازگشت انسان به خویش و خدای خویش است. «سَتْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَمْ لَمْ يُكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» «به‌زودی نشانه‌های خود را در اطراف عالم و در درون جانشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است؛ آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟» (آیه ۵۳ - سوره فصلت). از سَتْرِيهِمْ مستفاد می‌شود که جلوه‌های قدرت لم یزلی اختصاص به زمان خاصی

ندارد. این جلوه‌ها در گذشته بوده است در حال است و در آینده هم خواهد بود. به قول فروغی بسطامی "با صد هزار جلوه برون‌آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم ترا". تأثیرات به ظاهر خسارت بار از دید بشری در مقطع زمان است و آفاق و انفس گستره بروز و ظهور جلوه‌های قدرت حق است. عذاب‌های الهی به‌طور عمده مختص جوامع محدود و خاص که نافرمانی و ظلم را پیشه کرده‌اند. قصص قرآن کریم نشانگر این مطلب است. درحالی‌که در شیوع جهانی کرونا، جوامع و افراد متعدد و در مواردی نیز درگیر شده‌اند. همچنین، شاید آزمودن بشر با ستاندن جانش آنهم با دردی دهشتناک ناشی از عدم توانایی شش‌ها برای تنفس با رحمانیت پروردگاری که رسولش رحمه‌للعالمین است همخوان نباشد.

نکته عبرت‌آموز در پدیده کرونا به وجود آمدن سؤالاتی بسیار اساسی است که نخبگان باید به این سؤالات جواب دهند.

- نیاز به پناه جستن به خدای واحد در اکثر جوامع بشری با گرایش‌های مختلف در پدیده کرونا به چه دلیل است؟
- پر شدن فضای مجازی از کلیپ‌ها و متن‌های دعوت به دعا به درگاه خدای واحد به چه انگیزه‌ای است؟
- احساس گناه بشر امروزی از ظلم به خویش و محیط پیرامون و توبه به درگاه خداوندی به چه دلیل است؟
- زندگی بشری در بعد از جهان‌شیوعی کرونا چگونه خواهد بود؟
- رابطه بشر با بشر، بشر با محیط زیست، بشر با تکنولوژی، بشر با مصرف و ... در بعد از جهان‌شیوعی کرونا چگونه تعریف می‌شود؟
- آیا بشر مسیر درستی را برای زندگی کردن انتخاب کرده است؟

• با توجه به فراموش کار بودن بشر، آیا بعد از فروکش کردن موج نگرانی شدید این دوران و حل نسبی مشکل، آب‌ها از آسیاب خواهد افتاد؟ آیا باز هم با چرخه ترس سپس فراموشی و دوباره ترس و فراموشی مواجه خواهیم بود؟ و همه سؤالات فوق به ورطه فراموشی خواهد رفت؟ توجه به چندین همه‌گیری و جهان‌شیوعی از طاعون ژوستینین (۵۴۱ تا ۷۵۰ میلادی)، طاعون سیاه (۱۳۴۷-۱۳۵۱ میلادی)، آبله (سده‌های ۱۵ الی ۱۸ میلادی)، وبا (۱۸۱۷ تا ۱۸۲۳ میلادی)، وبا و شروع آن در شبه قاره (۱۸۱۷ الی ۱۸۲۳)، آنفلوآنزای اسپانیایی (۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ میلادی)، آنفلوآنزای هنگ‌کنگ (۱۹۶۸ الی ۱۹۷۰)، MERS، SARS، آنفلوآنزای خوک، ابولا و از نظر ما ایرانی‌ها قحطی همراه با همه‌گیری انواع بیماری‌های تحمیلی استعمار در سال‌های ۱۹۱۷ (جنگ جهانی اول) و نیز محدوده جنگ جهانی دوم بسیار ضروری است. در برخی از همه‌گیری‌های فوق ده‌ها میلیون انسان جان خود را از دست داده‌اند آیا کووید-۱۹ هم سرنوشتی کمابیش مانند همه‌گیری‌های فوق‌الذکر با تأثیراتی خاص خواهد داشت؟

به‌نظر می‌رسد مسئولیت حفظ این پرسش‌ها و طراحی پرسش‌های عمیق‌تر برعهده نخبگان است. این نخبگان هستند که هدایت امور جامعه را برعهده دارند. در این حالت ضمن دعوت از نخبگان به اندیشیدن و خرد ورزی به منظور ارزیابی تأثیرات کرونا بر بشریت، اصول و معیارهای توحیدی اسلامی درخصوص چگونه زیستن بشر بر روی کره خاکی، علت و غایت خلقت توضیح داده شود. در عین حال باید علاوه بر سؤالات اساسی و بنیادین که تاکنون مطرح و ارائه شده است، نخبگان متدین مسلمان سؤالات اساسی و بنیادین خویش را طراحی و با تدوین جواب‌های متقن و دقیق موحدانه به دنیا عرضه کنند. از برکات شیوع جهانی کرونا فرصت تاریخی است که در اختیار مسلمانان قرار گرفته است تا با جواب‌دهی مؤمنانه و خردمندانه به سؤالات جوامع بشری، نسبت به عرضه اصول چگونه زیستن براساس رحمانیت و رحیمیت خداوندی اقدام نمایند و دنیا را به توحید دعوت کنند. به‌نظر می‌رسد بزرگ‌ترین دستاورد شیوع جهانی کرونا اثبات مسیر غلطی است که بشر به لحاظ فلسفی و نگرشی تاکنون رفته است، و نیاز بشریت به راه جدید و تفکر جدید برای چگونه زیستن نیز از برکات دیگر شیوع جهانی کرونا است. برخورد با شیوع جهانی کرونا تنها از دیدگاه علمی تجربی امروزی اشتباه تاریخی برای بشریت است، شیوع جهانی کرونا به‌طور ضروری از منظر فلسفی، اجتماعی و اخلاقی نیز باید مورد ارزیابی قرار گیرد که این اگر مهم‌تر نباشد، اهمیت کمتری از آن هم نخواهد داشت.

می‌توان تأثیر کرونا بر جوامع مختلف دنیا مانند ایالات متحده، اروپا، چین و ایران و یا سایر نقاط دنیا را از منظر فلسفی بررسی کرد. ارزیابی تأثیرات کرونا بر اروپا و ایالات متحده را می‌توان مجزا از هم ارزیابی به‌طور ضروری، چه تفکر حاکم بر ایالات متحده یک تفکر به‌طور کامل امپریالیستی است. در آمریکا در شرایط همه‌گیری سیاست‌ها به سمت نظریه تنازع بقا است در این تفکر فقط آنان که قوی‌تر هستند می‌مانند و یا بهتر گفته شود حق ماندن دارند. سیستم خدمات سلامت در آمریکا به‌طور قطع توان پاسخگویی به حدود چهار میلیون انسان فاقد بیمه درمانی نخواهد داشت و اینکه رییس‌جمهور ایالات متحده به‌راحتی از بین رفتن ۲۰۰ هزار تا دو میلیون انسان را پیش‌بینی می‌کند ناشی از حاکمیت تفکرات لیبرالیستی/امپریالیستی بر جامعه آمریکا است. حاکمیت این تفکر و نیز شکاف طبقاتی در آمریکا از یک طرف و همچنین آزادی نسبی بیان عقیده و تفکر، وجود تعدادی از نخبگان منصف و انسان محور و تنوع قومیتی به علت مهاجر بودن جامعه آمریکایی امکان به چالش بردن تفکر حاکم را تقویت می‌کنند. درخصوص اروپا به علت نزدیکی به تفکرات لیبرالیستی/سوسیالیستی آثار زیان‌بار و مرگ‌زای کرونا کمتر خواهد بود اما به لحاظ فلسفی امید می‌رود فلاسفه قدرتمند اروپا به‌ویژه مکتب آلمان، ضمن ارزیابی علت چالش‌هایی که بشر به دلیل کرونا با آن روبرو شده است، سیر حرکتی بشر در چند صد سال اخیر را مورد ارزیابی قرار دهد و جهت یابی درستی را برای آینده با بستر سازی مناسب فراهم کند.

کرونا و دانشگاه

پدیده کرونا فرصت مناسبی را برای دانشگاه‌ها برای بروز خلاقیت‌ها به وجود آورد و موضوعات جدیدی را هم به لحاظ آموزشی، هم به لحاظ پژوهشی در جلوی چشمان استادان، پژوهشگران و دانشجویان و دستیاران قرار داد. همه موارد فوق‌الذکر می‌تواند در دستور کار ستادهای دانشگاهی قرار گیرد علاوه بر آن توجه به رشته‌های بین رشته‌ای، مهارت محور کردن آموزش‌ها، فاصله گرفتن از شیوه‌ها و رشته‌های سنتی و اندیشیدن به روش‌ها و رشته‌های مورد نیاز جامعه، حضور عمیق حکمت در آموزش و در تحقیقات هم، چه از منظر علوم انسانی، چه علوم ریاضی و مهندسی و چه علوم طبیعی و پزشکی موضوعات متعدد و متنوعی را فراروی قرار داده است. در حوزه علوم طبیعی و پزشکی می‌توان در زمینه کشف دارو و به خصوص واکسن و همچنین شیوه‌های تشخیصی بیماری کرونا با سه شاخص دقت بالا، سرعت بالا و هزینه پایین متمرکز شد. این فقط یک موضوع از هزاران موضوع می‌تواند باشد. با توجه به رنگ و بوی پزشکی همه‌گیری کرونا، دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌توانند با دعوت از نخبگان علوم انسانی و نیز علوم ریاضی به طراحی پرسش‌های اساسی مورد نیاز بشر به امید دستیابی به جواب‌هایی متقن و مستدل در این زمینه پیشتاز باشند.

